

۱۶ آذر

متحد برای آزادی و برابری

اطلاعیه حزب حکمتیست - خط رسمی صفحه ۲

حکمتیست
۲۸۵

۵ دسامبر ۲۰۱۹ - ۱۴ آذر ۱۳۹۸
پنجشنبه ها منتشر میشود

این جنبش متوقف نمیشود! پیام طبقه کارگر به ارتجاع حاکم آذر مدرسی



بسط اعدام راه خواهیم انداخت. کشتار نوجوانان و کودکان در خیابانها را به رخ میکشند، تا اعلام کنند خاکستر مرگ و سکوت را بر جامعه هشتاد میلیونی پاشیده اند. اما پشت این کفچرانی ها، هراسی واقعی خوابیده است. میدانند زیر غم و اندوه از دست دادن عزیزان، در پس خاکسپاری هر عزیزی، مردم به دنبال راهی برای پیروزی اند. میدانند این جنبش متوقف شدنی نیست، میدانند این مردم را نمیتوان با سرکوب به خانه فرستاد. میدانند آخرین جدال در راه است. ... صفحه ۳

زیر سایه هراس از خیزش دوباره و اینبار خشمگین تر، متحد تر و خانمان براندازتر مردم محروم نعره میکشند که "سرکوب کردیم"، "لیدر" ها و "شبکه" ها را کشف و دستگیر کردیم، "رحم نخواهیم کرد" و

ما میمانیم و شما رفتنی هستید!

پاسخی به فرخ نگهدار
فواد عبداللهی ص ۶

در فردای کشتار "بنزین" و بازار گرمی برای نمایش انتخاباتی مصطفی اسدپور ص ۷

زرت قمصور "مدنیت" جمهوری اسلامی مصطفی اسدپور

بازگشت به "شجره طیبه بسیج" فشرده جمعبندی خامنه ای از "توطئه وسیع عظیم بسیار خطرناک" اعتراضات آذر ماه بود که بقول خود او از "زنجار و تبریز آغاز و حتی به برخی روستاها هم رسید و تهران نقطه پایانی آن بود". متن سخنرانی خامنه ای بعنوان سند شوق و ذوق از خطری که از سر نظام گذشته است، ماندنی است؛ اما از فرط عبارات "تکریم" و "شاکرم" و "تعظیم" و "عظمت" و "شکوه" و ... نسبت به مزدوران باند سیاهی (آنهم در پشتیبانی نیروهای تا دندان مسلح سپاه) دیگر شور قضیه را در میاورد!

روی ایشان به نیروهای بسیج است که گرانفروشی بنزین را با خلق صفحه سیاه "حمام خون آذر ۹۸" مایه روسفیدی تاریخ مملو از کودتا و کشتار در ایران و خاورمیانه کردند. ... صفحه ۵

رویدادهای سیاسی هفته

ناقوس مرگ نظام و هراس "حصر" نشینان



وریا نقشبندی

بیانیه موسوی و کروبی در شرایطی بیرون میاید که پایین جامعه در خیزش آبان ۹۸ تکلیف خود را قبل از هر چیز با اصلاح طلبان و بعد با اصولگرایان مشخص کرد. شدت شوک این خیزش بیشتر به طیف و اقمار اصلاح طلبان وارد گردید و این بیانیه ها اتفاقا بیان سرخوردگی توام با آخرین تقلاها را بازگو میکند. امروز هم موسوی و هم کروبی مانند مار زخم خورده به خود میپیچند و زمین و زمان را کفر می کنند که ای وانفسا از دست ولایت فقیه که این نظام هرچه میکشد از این طایفه بر کرسی نشسته است. به زمین و زمان لعنت می فرستند وقتی می بینند جامعه بر کلیت نظام پا گذاشته و هیچ میر و شیخ و سیدی از گزند آن در امان نیست. بایست به این آقایان گفت که کیست که نداند شماها ده سال است در ترشی خوابانده شده اید برای چنین روزهایی که جلوی ریزش نظام را بگیرید. کیست که نداند که حفظ نظام برای شما از اهم واجبات است. نصایحتان به گوش مقامات رسید، ولی چه میتوان گفت وقتی این مردم دیگر نه دنبال رای گمشده هستند و نه آویزان به ریش سیدخندان و نه دنبال "کلید" روحانی. چهل سال است که ناقوس مرگ نظام ... صفحه ۴

آزادی
برابری
حکومت کارگری

۱۶ آذر

متحد برای آزادی و برابری

اطلاعیه حزب حکمتیست - خط رسمی

جامعه ایران وارد دوره ای جدید از حیات خود در جدال علیه جمهوری اسلامی، علیه فقر و محرومیت، علیه استثمار و استبداد، شده است. کارگران، زنان و جوانان آزادیخواه، و بخش محروم جامعه، در یک صف علیه ستمگران، حاکمین و مدافعان توحش پا پیش گذاشتند و با صدای رسا اعلام کردند، این حاکمیت را نمیخواهیم. اعلام کردند رفاه و آزادی و زندگی ای در شان انسان را میخواهیم، برابری و عدالت میخواهیم. یک سر این جدال و یک مرکز آن دانشگاه بود. نسل جوان طبقه کارگر ایران، کمونیستها و سوسیالیستها در دانشگاه پرچمدار این جنبش عظیم اجتماعی، سخنگویان و سازماندهندگان این جدال در سنگر دانشگاههای ایرانند. اعتراضات دیماه ۹۶ و بدنبال آن، آبان ماه امسال، لحظاتی شورانگیز از این جدال بزرگ در جامعه ایران است و دانشگاه در این دوران یکی از مراکز این کشمکش بود.

۱۶ آذر امسال، مهر دوره اخیر و عروج این جنبش عظیم اجتماعی برای دنیای آزاد و برابر را بر خود دارد. ۱۶ آذر امسال مستقل از ابعاد تحرکات دانشجویی، مستقل از نوع حضور دانشجویان، تجمعات آنها، میتینگها و سخنرانیها و اشکال مختلف بروز اعتراضی آنها، مهر این جنبش را برخورد دارد و دانشجویان کمونیست پرچمدار آن در دانشگاه خواهند بود.

امروز و بعد از آبانماه و بعد از تحرکات کارگری در همین دوره و با تجارب اعتراضات تا کنونی در خود دانشگاهها، دانشگاه درست مثل جامعه محل اعلام وجود و قدرتنمایی جنبشهای بورژوازی، لیبرالی، ناسیونالیستی، سبز و سیاه و نارنجی نیست. این دوره، دوره ایفای نقش جریانات درون حکومتی و بورژوازی نیست، اینها همه مشتشان باز شده است. این دوره، دوره اتحاد دانشجویان، اتحاد فرزندان طبقه کارگر در مراکز تحصیلی، اتحاد همه

دانشجویان برابری طلب، حول پرچم سوسیالیستی طبقه کارگر است. بی تردید تامین این مهم در ۱۶ آذر امسال و در تحرکات دانشجویی در این دوره بر دوش دانشجویان کمونیست است.

سران حاکمیت با اتکا به فضای نظامی و پلیسی حاکم در بسیاری از شهرها و دانشگاهها، امیدوارند بتوانند روسای خود را از روحانی تا رئیسی برای سخنرانی به دانشگاهها بفرستند. تلاش میکنند با پادگانی کردن دانشگاهها، با اتکا به حقوق بگیران خود، نیروهای اطلاعاتی و نظامی، حراست و تشکلهای حکومتی مانند بسیج دانشجویی امکان نمایش قدرت خود را ایجاد کنند. اما میدانند، که فضای دانشگاههای کشور، درست مانند فضای جامعه لبریز از تنفر و انزجار از حاکمیت، از همه روسا و قوای آن است. روسای مملکتی که بدون بسیج اوباش مسلح و دستجات چاقوکش و آدمکش، جرات آفتابی شدن در اماکن عمومی را ندارند، در دانشگاه نیز جز نفرت و انزجار چیزی بدست نخواهند آورد.

دانشگاه مرکز اوباش حکومتی، مرکز ابراز وجود قاتلان مردم آزادیخواه و مرکز عوامل آنها نیست.

اکنون فضای همه دانشگاههای ایران، فضای دانشجویان و مردم آزادیخواه، فضای ایجاد آمادگی برای ایجاد صفی متحد، برای قدرتنمایی خود در مقابل حاکمین است.

دانشجویان کمونیست!

آنچه در این مدت اتفاق افتاد، تنها بیان گوشه کوچکی از نیروی ما بود. هنوز مراکز کارگری، صنایع و مراکز خدماتی، ادارات و دانشگاهها و مردم آزادیخواه در محلات کارگری و زحمتکش نشین، امکان حضور متحدانه و سازمان یافته را پیدا نکردند. آنچه بیان توان و قدرت این نیروی عظیم است، سازمان و اتحاد آن حول پرچم عدالتخواهی سوسیالیستی طبقه کارگر است.

دانشگاه سنگری مهم در این جدال است. نقش شما رفقا و دخالت آگاهانه شما در این دوره حیاتی است. شما چشم و گوش نسل جوان در دانشگاهها و در همه مراکز تحصیلی هستید. ابراز وجود متحدانه دانشجویان در ۱۶ آذر و بعد از آن، به اشکال مختلف و مناسب، با شعارها و مطالبات رادیکال، همگام با اعتراضات کارگری، اعتراضات اقشار مختلف مردم محروم در سراسر

ایران، بر دوش شما است. دانشگاه به همت دخالت آگاهانه شما رفقای کمونیست باید به عنوان یک سنگر مهم از جنبش برابری طلبانه طبقه کارگر و مردم آزادیخواه باقی بماند. سخنگویان و روسای حاکمیت حتی اگر بتوانند، در دانشگاهها حضور پیدا کنند، باید در مقابل هوشیاری شما، در مقابل اتحاد شما و در مقابل توقعات آزادیخواهانه شما، شکست خورده و سرافکنده شوند. ۱۶ آذر امسال نیز باید مهر شما را بر خود داشته باشد. ۱۶ آذر میتواند با هوشیاری و دخالتگری شما به عنوان سنگر دفاع از آزادی و عدالت، سنگر دفاع از امنیت، از حق زن و کودک، سنگر دفاع از طبقه کارگر و حقوق حقه مردم ایران، اعتراضات این دوره را نمایندگی کند و پرچم عدالتخواهی و برابری طلبی را بر فراز دانشگاهها ایران در اهتزاز نگهدارد.

زنده باد آزادی و برابری

زنده باد سوسیالیسم

حزب حکمتیست

(خط رسمی)

۱۲ آذر ۱۳۹۸

(۳ دسامبر ۲۰۱۹)

مجمع عمومی تنها نماینده اراده مستقیم کارگران

این جنبش ...

پشت فریادهای "غائله تمام شد" و نمایشهای شنیع اعتراف گیری ها و "سکوت" جامعه، زمزمه مقاومت، تعرض، تقابلهای جدی تر، زمزمه تدارک و آمادگی طبقه کارگر و مردم تشنه آزادی و رفاه برای جدال بعدی را می شنوید. میدانند قرار است طوفان درو کنند!

پشت این "پرده سکوت" جدال لحظه به لحظه ای در جریان است و کارگران هفت تپه کماکان پرچمداران رادیکال و هوشیار این جدال اند. کارگرانی که مردم را همراه خود به خیابانها آوردند، شهر شوش را به تعطیلی کشاندند و اجازه ندادند اوباشان جمهوری اسلامی به این اعتراض خون بپاشند. کارگرانی که درست زمانی که حاکمیت نعره پیروزی میکشید، خواسته های خود را به کرسی مینشانند، کارفرما و حاکمیت نماینده آنرا در مقابل خواسته های خود وادار به عقب نشینی میکنند، از آنها تعهد میگیرند که: رفقای اخراجی شان به کار بازخواهند گشت، پرونده سازی های کثیف علیه نمایندگانشان متوقف خواهد شد و اولتیماتوم میدهند و اعلام

میکند: "صحیح است آقایان مسئولین! درست متوجه شده اید! دقیقاً داریم تهدید میکنیم. شش روز فرصت دارید. تهدید ارسال شد!". کارگران هفت تپه چشم در چشم دشمن دوخته و اعلام میکنند عقب نشینی در کار نیست! اعلام یک دقیقه خاموشی در گرامیداشت قربانیان آبانماه تودهنی کارگران هفت تپه به نمایندگی از طبقه کارگر و مردم محروم به جانیاں حاکم است.

تهدید عظیمتر را اما روزانه در ماهشهر، شوش، شیراز، کرمانشاه، دزفول، خوزستان، تهران و.....، بو میکشند. در مراسمهای خاکسپاری که علیرغم تهدیدات نیروهای سرکوب رژیم با حضور بخش عظیمی از مردم برگزار میشود، در چهرهای عزاداری که به سرعت به چهره های خشمگین و مصمم تبدیل میشود، در موج عظیم انسانی که سوگواری را به دادخواستی علیه ارتجاع حاکم و اوباش آن تبدیل میکنند و بالاخره در دادخواسته های علنی و رسمی سازمانهای کارگری، فرهنگیان، دانشجویان، بازنشستگان علیه سرکوب، علیه عاملین جنایات آبانماه، علیه اوباشی که جوانان و کودکانشان را به گلوله بستند. دادخواست

طبقه کارگر و مردم محروم ایران که توسط کارگران هفت تپه، شرکت واحد، فرهنگیان و بازنشستگان با صدای رسا فریاد زده میشود و رسماً اعلام میکند که سرکوب و کشتار نمیتواند این جنبش عظیم و توده ای برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی، برای آزادی، برابری، رفاه و عدالت اجتماعی را متوقف کند. سندیکای شرکت واحد با صدای رسا اعلام میکند "سرمایه داران و حکومت آنها در ایران نیز

محکوم کردن سرکوبها علناً خواهان آزادی فعالیت تشکل های مستقل و احزاب سیاسی غیر حکومتی میشوند، دانشجویان در دانشگاهها اعلام میکنند "متحد مقاومت میکنیم"! این صدای "شکست خوردگان" و "تسلیم شدگان" نیست. این اعلام مقاومت، اعلام آماده شدن برای جدال نهایی و دستیابی به آزادی، برابری و رفاهی است. حاکمین پیام طبقه کارگر و مردم محروم را شنیده اند و

"صحیح است آقایان مسئولین! درست متوجه شده اید! دقیقاً داریم تهدید میکنیم. شش روز فرصت دارید. تهدید ارسال شد!".

کارگران هفت تپه چشم در چشم دشمن دوخته و اعلام میکنند عقب نشینی در کار نیست! اعلام یک دقیقه خاموشی در گرامیداشت قربانیان آبانماه تودهنی کارگران هفت تپه به نمایندگی از طبقه کارگر و مردم محروم به جانیاں حاکم است.

بیهوده می پندارند که با سرکوب و کشتار می توانند اعتراضات سراسری در ایران را متوقف کنند. این یک جنبش عظیم جهانی برای عدالت اقتصادی و اجتماعی است که مبارزات کارگران و مردم محروم ایران نیز بخشی از آن است. و فرهنگیان و بازنشستگان علاوه بر کابوس خیزش بعدی است که ولی فقیه را وادار به عقب نشینی و وعده "عطوفت اسلامی" و "دلجویی" و "پرداخت خسارت" و "قبول مسئولیت" و سران رژیم را به بازی مسخره "من هم بی اطلاع بودم" و پاس دادن مسئولیت فقر و فلاکت به هم، کشانده

است. خیز برداشتن مردم برای سرنوشتی و کابوس به لرزه افتادن بنیادهای نظام سیاسی-اقتصادی حاکم است که سران سبز و بنفش و سید اصلاحات را به لبیک به "امام" و دستگاه سرکوب و کشتار کشانده است.

مردم هم پشت "الطاف اسلامی" و "همدردی" و.....، هراس شان از طوفان بعدی، از قدرت متحد و متشکل خود را می بینند. میدانند پشت تهدیدها و عروتیهای سران حاکمیت ناتوانی، عجز از سرکوب، شکاف و استیصال حاکمین خوابیده است.

اگر دستگاه سرکوب رژیم مردم معترض در خیابانها را به خون کشید و خیابانها را به تصرف خود در آورد، اما طبقه کارگر با رادیکالیسم خود از کارخانه و دانشگاه و مدارس تا محلات و شهرها را به تسخیر خود در آورده و می رود جامعه را حول افق سوسیالیستی خود متحد کند.

خیزش آبانماه فاز دیگری در جدال طبقه کارگر و مردم محروم برای خلاصی از جمهوری اسلامی بود. فازی که قدرت طبقه کارگر را به نمایش گذاشت. پیام بلافاصله طبقه کارگر و مردم محروم به جمهوری اسلامی روشن است: عقب نشینی در کار نیست!

مردم، دشواریهای مردمی و مستقل خود متشکل شوید!

ناقوس مرگ نظام ...

به صدا درآمده است ولی امروز هم شما و هم سران رژیم صدای این ناقوس را درست در بغل گاوستان حس کردید.

باید به موسوی گفت که حقا شما هم خوب فهمیده اید که دیگر مردم ایران از همه شما عبور کرده اند و این کلیت جمهوری اسلامی است که رفتنی ست. درک این مسئله در این دوره هوش زیادی را نمی طلبد وقتی خودی های نظام برای گاز گرفتن از همدیگر گوی سبقت را از هم می ربایند. شعار "دولت امید" شما با شعار "دولت تدبیر و امید" روحانی تکمیل گردید و سرانجامش مذب داغی بود که مردم در این خیزش ها در کف دستتان گذاشتند. عفونت تضادهای امروز حاکمیت با جامعه بیش از پیش دهان باز کرده و با هیچ آنتی بیوتیکی از جنس چپ اسلامی تا راست میانه هم نمیتوان آن را علاج کرد و تنها با از جا کندن این غده چرکین است که میتوان حیات را به زندگی مردم ایران بازگرداند. بلوغ سیاسی این دوره جامعه ایران دودمان کل بساط این نظام را نشانه گرفته، این آن چیز است که خواب راحت شما را بهم زده و به هذیان گویی انداخته است. دور نیست

آن روزی که هم شما به عنوان یکی از کهنه سربازان "خط امام" و هم تک تک سران این نظام در دادگاههای انقلابی مردمی محاکمه شوید.

باید به کروبی گفت خط قرمزهای لشکر گرسنگان، نه شما و نه هیچ کدام از تنمه این نظام فرسوده و ارتجاعی نیست، شما مهره های سوخته شده ای همین نظامید، هم شما و هم کل اصلاح طلبان حکومتی و بیرون حکومتی مهر ابطال را نه از سران فعلی حاکمیت، نه از هیچ کدام از جناح های چپ و راست و خودی و غیر خودی، بلکه از طرف همین مردم بر پیشانی گرفتید. خط قرمزهای مردم و طبقه کارگر ایران، آزادی و برابری در تمام شئون اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ست. اگر لودگی و سفاهت مدال داشت می بایست قطعا به اصلاح طلبان تعلق میگرفت که بر طبل "انتخابات" برای دور بعدی می کوبند، تا بخیال خود شاید چند صباح دیگر عمر برای نظام منحوس شان خریداری کنند.

بایست گفت احسنت به این درایت که فکر کرده اید تنها کشتار مردم در خیابانها باعث سقوط نظام خواهد شد اما کشتار کرور کرور زندانی سیاسی در سیاه چال های نظام در

دوره زمامداری عالیجنابان نه؟! کور خواندید آقای موسوی! با هر سرکوب و ترور و اعدامی که در راستای حفظ و تثبیت "نظام والای جمهوری اسلامی" مرتکب شدید، گور خود را گودتر کردید. صدای دادخواهی خانواده ها و بازماندگان همه آن زندانیان چهل سال است پرونده جنایتاتان را

ایران هنوز درگیر انتخاب میان این جناح و آن جناح حکومتی هستند و شما یکی از این آلترناتیوها خواهید بود، اما ماهیت این دوره از خیزش ها، تمام آن خیالپردازیها را نقش بر آب کرد. به این اعتبار، این دست بیانیه ها نه از سر همدردی با مردم معترض، نه بر علیه ظلم و اجحاف در این چهل سال که

آبان ۹۸ حکم خود را بر تاریخ چهل ساله نظام سرمایه داری اسلامی کوبید. دستگاه سرکوب و تحمیق این نظام فرسوده شده است و با کوچکترین نسیمی از آزادی و برابری به لرزه می افتد. این تنها جرقه کوچکی از عصیان انقلابی مردم زحمتکش ایران است که اینچنین آب در سوراخ مورچگان ریخت؛ وای به روزی که آتش خشم طبقه کارگر همراه با صف متحد مردم ستمدیده در هم تنیده و تمام دودمان این نظام را در خود بسوزاند.

خودتان سه دهه در دستگاه طویل و عریض این نظام بر مردم روا داشتید، بلکه ناشی از هراس و وحشتی است که از هم اکنون خواب سنگین این سالها را برایتان آشفته کرده، نگرانی از فردای خیزش های دیگر، وقتی مردم ستمدیده و زحمتکش ایران با نیروی اتحاد و همبستگی طبقاتی خود هم شما و هم جناب کروبی را از "حصر خانگی" تان بیرون بکشاندند و مستقیم بر صندلی عدالت قرار دهند، تفسیر واقعی این بیانیه هاست. امروز این خیزش مردمی برای دفاع از کرامت انسانی خود، برای رهایی از

همچنان باز نگه داشته است و روز تعیین تکلیف نهایی همچون آواری بر سرتان فرو میریزد. ما که خوب می دانیم همه شما برای حفظ نظام موجود به راحتی از روی هم عبور خواهید کرد. خوب میدانیم که حتی حاضرید بالاترین مهره حکومتی را به شرط بقای نظام جابجا کنید و این تمام آن تلاشی ست که بعد از انتخابات ۸۸ به آن مشغول بودید.

اگر روزی با این خیال که در یک صبح زیبا از خانه بیرون میایید و بر دستان مردم به عنوان ناجی چرخانده می شوید، اگر خیال میکردید که مردم

فقر و فلاکت، برای داشتن یک زندگی شایسته انسان مدرن امروزی، برای جaro کردن مذهب از زندگی خود، برای رهایی از استثمار و رهایی از زنجیر بردگی و در یک کلام تسویه حساب با جمهوری اسلامی به میدان آمده است و نه برای دعوای این یا آن جناح حکومتی. پیام این خیزش با خون سرخ صدها انسان تشنه به آزادی و برابری رنگین شده است، نه برای هیچ ناجی دیگری. این تعرض شورش گرسنگان بود برای رهایی از فقر و گرسنگی و فلاکت به بارگاه خدایان ثروت و سرمایه؛ این تعرض، دفاع یک طبقه بود از خود و شما هم آن را به خوبی شنیدید.

آبان ۹۸ حکم خود را بر تاریخ چهل ساله نظام سرمایه داری اسلامی کوبید. دستگاه سرکوب و تحمیق این نظام فرسوده شده است و با کوچکترین نسیمی از آزادی و برابری به لرزه می افتد. این تنها جرقه کوچکی از عصیان انقلابی مردم زحمتکش ایران است که اینچنین آب در سوراخ مورچگان ریخت؛ وای به روزی که آتش خشم طبقه کارگر همراه با صف متحد مردم ستمدیده در هم تنیده و تمام دودمان این نظام را در خود بسوزاند.

نشور سرنوونی جمهوری اسلامی را به پرچم خود تبدیل کنید!

زرت قصور ...

گزارش مقامات سپاه پاسداران گواه اینست که اکثریت دستگیر شدگان را جوانان بیکار و از محلات فقیر نشین تشکیل داده است، فیلم و اطلاعات در دسترس گواه کشته شدگان جوان و اساسا توسط نیروهای باند سیاهی توسط شلیک های آگاهانه و با فراغت بال به سمت قلب و سینه قربانیان است، که باند سیاه بعدی در بیمارستانها ماموریت کشتار را پی گرفته است. آیا در مقایسه با مریوان و ماه شهر و شیراز کشتار صبرا و شتیلا و ابو غریب یک پانویس بنظر نمیرسد؟

“آشوب بنزین” را خود جمهوری اسلامی آغاز نمود، نیروی خفته مردم را علیه خود بسیج کرد، و بیانات عالی ترین مقام این حکومت دال بر این است که قادر به خاتمه جنگی که آغاز کرده است، نمیباشد. جمهوری اسلامی قادر به تخلیه خیابانها نیست، قادر به عقب نشینی به کلانتری ها نیست. خامنه ای چشم انداز جمهوری اسلامی با تکیه بر بسیج در “همه کوچه پس کوچه های شهرها” و “در دانشگاهها و خارج آن” و بعلاوه “چابک باشد و اسیر پابندهای رایج اداری نشود” را باز میکند. اینجا دیگر

جمهوری اسلامی به صحرای کربلا میزند. بیست سال است اقتصاد از خر میگیرند، جام زهر مینوشند، از تسخیر سفارت توبه میکنند، فتوای ترور سلمان رشدی را ماست مالی میکنند، اصلاح طلب و اهل معامله و حافظ منافع سرمایه طاغوتی از آب درمیابند و ... تا همه چیز، با “آشوب” بنزین و ده روز در آذرماه ۱۳۹۸ بر باد رود؟! “جمهوری” این حکومت در شبانگاه ۲۴ آبان با ادا و اطوار و انترچرخی دال بر مصوبه قانونی رئیس سه قوه یک ساعت هم دوام نیاورد. با اولین واکنش اعتراضی مردم، مدنیت سرشان را بخورد، کاسه و کوزه نمایش قانون و دولت را نیز جمع کردند.... و پس از ده روز حالا نوبت دولت و جمهوری است که دین خود را به نیروهای باند سیاهی ادا کند. زبده ترین نیروهای حافظ نظام باید بموازات پست های خویش در مجلس و خانه کارگر و وزارت کار؛ زمانیکه قافیه تنگ میشود در لباس بسیج، با یک قبضه کلت و یک شیشه کوکتل مولوتف در خدمت کمیته ها “مردم” شوند و به هر غلطی دلشان خواست مشغول گردند... اشکال قضیه آنجاست که یکبار بساط پیشکسوتان

این حضرات در انجمن های اسلامی و شوراهای اسلامی در هم پیچیده شده است. بعلاوه، موج برگشت بسیج و لباس شخصی ها با مقابله سخت و انتقام جویانه مردم زحمتکش و آزادیخواه روبرو خواهد شد.

حیات جمهوری اسلامی با نیروی باند سیاهی از نزدیک گره خورده است و این چه “گاهی سوار بر بسیج و گاهی سواری به بسیج” ادامه خواهد داشت. تکیه جمهوری اسلامی فقط به خاصیت جنایت و لمینیسیم در ساختار نیروهای باند سیاهی نیست. رمز کارآیی این نیروها در آینده جمهوری اسلامی را اجازه دهید از دشمن، از خامنه ای، قبول کنیم: “همه جا در مقابل حوادث گوناگون راهبرد و تاکتیک آماده داشته باشید” و “... مانند یک شطرنج باز ماهر همیشه یک قدم از دشمن جلو باشید و کنشی عمل کنید.”

عقب راندن جمهوری اسلامی مستلزم آن است که نه فقط ساختار دولتی و مذهبی آن بلکه ساختار باند سیاهی و غیر رسمی (در لباس شخصی) آنرا نیز به همآورد طلبید و خنثی کرد. این کار در مقابله خبابانی و در گرماگرم آتش و خون تظاهرات با بسختی ممکن است. اگر در کارخانه ها قدم به قدم با تکیه به

اشکال علنی مبارزه، دخالت توده کارگر، و با ابتکار عمل رهبران عملی کارگری؛ بساط شوراهای و انجمنهای اسلامی برچیده شده است؛ همین روشها باید در محلات و کل جامعه نیز بکار گرفته شود: کارگران و مردم زحمتکش و آزادیخواه متشکل در مجامع عمومی منظم که با همیاری و همفکری خود زیر پای مستضعف پناهی جمهوری اسلامی را خالی میکنند، اتحاد هر چه بیشتر را دستمایه توقعات بالاتر میسازد، با تعرض دائمی و با پیروزیهای هر چند کوچک، ابتکار عمل را برای مصاف های بزرگ، هر جا که مصلحت بداند، خود بخواند، و به هر اندازه که مصلحت باشد؛ قطب نمای حرکت خود قرار دهد.

عصیان، اعتراض خودانگیخته، اکسیونیسیم، شمشیر زدن کورمال و بی هدف؛ همگی با ریشه های مشترک، نه پدیده های

اتفاقی بلکه اساسا جبهه های تحمیلی حاصل از توطئه های یورووازی و حکومت آن هستند. همین سموم راه را بر نقش مخرب تفاله های باند سیاهی باز میگذارد. قدرت طبقه کارگر نه فقط در آنچه نمیخواهد، بلکه اساسا در آنچه میخواهد، نهفته است. همگام با پختگی مبارزه کارگری در ایران، همانقدر که کارگران آگاهی و سازمان و نقشه را بر مبارزات خود ناظر ساخته اند، زیر پای انجمن های اسلامی و ارگانهای باند سیاهی خالی شده است. از ارگانهای باند سیاهی همانقدر باید ترسید، که برای مقابله با آنها باید آماده بود، و موثرترین و ساده ترین راه این است که باید محیط زیست خود را از شر وجود این حشرات سمپاشی کرد. وقت آن است که طبقه کارگر سکاندار مبارزه در راه رهایی شود.

رفاه و آزادی بدون احساس امنیت. بدون زندگی در شرایطی امن. که در آن شهروندان در هراس از فقر، جنگ و تخریب. و بدون هراس از بدتر شدن اوضاع. به هر سرنوشتی که سرمایه برای آنها رقم میزند تسلیم نشوند. ممکن نیست. بدون احساس امنیت و برخورداری از امنیتی سالم و انقلابی. که در دل آن شهروندان بتوانند رفاه و آزادی را تجربه کنند. تحقق مطالبات برحق مردم ممکن نیست.

مرکز بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

ما میمانیم و شما رفتنی هستید!

پاسخی به فرخ نگهدار
فواد عبداللہی



اکنون که صحبت بر سر به گور سپردن نظام و سرنگونی آن زبانزد خاص و عام است، اکنون که جامعه ایران اصلاح طلب و اصولگر را یکراست حواله فاضلاب های تهران کرده است، اما هیچکس اندازه طیف اصلاح طلبان قراضه بیرون حکومتی، نگران حال و آینده اسلام و نظام عزیزشان نیست؛ آقای نگهدار میفرماید: "تلاش‌ها برای حفظ ارکان جمهوریت نظام، و برای به روز کردن جمهوری اسلامی از راه تغییرات تدریجی و مسالمت آمیز در ساختار حکومت و سیاست های آن، با دشواری های فزاینده مواجه بوده است." (دقت کرده اید، نمیگوید کفگیر اصلاح طلبی به ته دیگ خورد و به بن بست رسید!)

"رهبری سی ساله آقای خامنه ای رو به پایان است و میراث به جا مانده از او بیش از همه با پوچ کردن ارکان جمهوریت نظام، با منزوی سازی اصلاح طلبی و اعتدال گرایی، با بازگشت و رسوخ سایه و صدای سرنگونی طلبی و سلطنت خواهی به اعماق اقشار فقر زده ایرانی، قابل شناسایی است." (ایشان تنها با خامنه ای مشکل دارد و نه با ساختار دولت و حاکمیت؛ سرنگونی طلبی را هم یکراست به سلطنت خواهی بخیه میزند) "رهبری نظام به جای چهره های مردمی و محبوبی چون آقایان موسوی و کروبی و خاتمی، شاهزاده رضا پهلوی و خانم مریم رجوی را از جنس خود یا "فرشتگان نجات" می پندارند." "چهره های مردمی و محبوب" جناب نگهدار، برای نجات رژیم و دفاع از "انقلاب اسلامی" پا پیش گذاشته اند؛

مردم، ممانعت از طرح شعارعلیه کل حاکمیت، ممانعت از طرح مطالبات پایه ای مردم، مطالباتی چون آزادی و برابری، ممنوعیت اعدام و آزادی بی قید و شرط عقیده و بیان، آزادی تشکل و اجتماعات و اعتصاب، جدایی مذهب از حکومت و آموزش و پرورش و کوتاه شدن دست مذهب و اسلام از زندگی مردم و برابری کامل زن و مرد، لغو حجاب و آپار تاید جنسی، و در یک کلام ممانعت از طرح شعار مرگ برجمهوری اسلامی، و کانالیزه کردن اعتراض مردم به نیروی تسویه حسابهای درون خانوادگی ارتجاع اسلامی، تمام هنر امثال آقای نگهدار و شارلاتان های جنبش ملی - اسلامی بوده است.

هیچ کس حتی خود خامنه ای نیز به اندازه امثال فرخ نگهدار این پیستون های جنبش ملی - اسلامی، سنگ دفاع از آخوند و اسلام و نظام را این همه سال به سینه نزده است؛ "خداوند" به این طیف صدسال عمر "باعزت" بدهد که اینهمه شیفته خدمت اند؛ نگهدار بهتر از هرکس دیگری می فهمد که دیگر نظام متبوعش با هر توجیه و ترجمه و توضیح و منبری آینده ای در ایران ندارد. این دلچک بازی دانشمند "اصلاحات" و منبر رفتن چه خاصیتی برای این بیچه مسلمان شبه سیاسی دارد... واقعاً چند نفر در مسجد توده - اکثریت که قشون مسلمین را جمع کرده و برایشان فرش قرمز پهن کرده و ضدکمونیسمش را "استریپ تیز" کرده ترهات این طیف را می خوانند! بگذارید کارشان را بکنند فوقش خاتمی و موسوی و کروبی و نگهدار یک حرفی بزنند و ملت نیم ساعت بخندند؛ مگر در این کشور چندتا کمیدین مثل اینها داریم که هم قابلیت آخر شدن داشته باشند هم بتواند در یک لحظه مفت و مجانی ۸۰ میلیون آدم را بخندانند؟ مشت به سندان می کوبید

جناب نگهدار! مجالی برای فراخوان به روضه خوانی و الله و اکبر گویی باقی نمانده است؛ دوران "اصلاحات" با اسلام به جنگ اسلام رفتن بسر آمد؛ با هزینه مردم و لشکر گرسنگان از پایین نمیتوان صفوف درهم ریخته تان در بالا را اصلاح کرد؛ این بالا رفتنی است و این حکم جنبش سرنگونی است؛ احیاء "جمهوری معنوی"، احیاء دوران به شکست کشاندن انقلاب مردم بسر رسیده است؛ دوران اسید پاشی و قمه کشی بر سروضورت و پیکر جوانانی که حجاب و اختناق اسلامی نمی خواستند، روزهای عریده کشی دستجات حزب الله و حمله به دانشگاه و انقلاب فرهنگی تان، روزهای اخراج و پاکسازی همه غیراسلامی ها و غیرحزب الهی ها از دانشگاهها، مدارس، محل های کار و کارخانه ها و پاکسازی جامعه از آزادخواهی و انسانیت، روزهای حمله سپاه تان به کردستان قابل تکرار نیست! دوران عبور شما و نظام تان "بسلامت" از تنگناهای تاریخی، بسر رسیده است؛ تزریق نوستالژی و خلسه "تغییرات تدریجی و مسالمت آمیز"، قرار است اتحاد و اعتماد به نفس از دست رفته در صفوف جنبش ملی - اسلامی آقایان راه، در روزهای رفتن نظام شان، احیا کند. تلاش دلچکان و عشاق سینه چاک جمهوری اسلامی برای رخنه در صف میلیونی مردم معترض، مردمی که تاوان سنگینی برای شکل پرداخته اند، مذبوحانه است. مردم بیش از این به سکوی تحقق پلاتفرم خونین روزهای خوش قدرقدرتی اصلاح طلبان و اصولگرایان تبدیل نخواهند شد؛

کمونیست ها، طبقه کارگر، زنان و مردان آزادخواه، دانشجویان تشنه آزادی و برابری از دیمه ۹۶ تا آبنامه ۹۸ با مبارزه خود، حمله مردم را به سمت تمام حکومت چرخاندند. بن بست و شکاف در صفوف دشمنان مردم را به

پله ای در به زیر کشیدن جمهوری اسلامی و ساختن جامعه ای آزاد و برابر به نیروی قدرتمند خود، تبدیل کرده اند. کمونیسم و طبقه کارگر، رادیکال ترین، پیشروترین و انسانی ترین اپوزیسیون اصلی است که در بطن جامعه و در هر طپش آزادیخواهانه ای در جامعه هم اکنون جا دارد. جنبشی که به اعتراض هر کارگری نسبت به فقر و ناداری، به فریاد هر زنی علیه توهین و تحقیر و بی حقوقی، به خواست هر جوانی برای زندگی و شادی، و به هر شعاری علیه جمهوری اسلامی، گره خورد است. این اپوزیسیون و جنبشی است که به عظمت آمل و آرزوهای مردم ایران برای خلاصی از جهنم جمهوری اسلامی، پا به میدان گذاشته است و حکم به سرنگونی جمهوری اسلامی داده است؛

مشکل آقای نگهدار و "جمهوریت" اش نه خامنه ای و پهلوی و رجوی، بلکه کمونیسم و طبقه کارگر و لشکر محرومان است. کل بورژوازی ایران علیه موجودیت این جنبش به تکاپو افتاده است. مشکل تمام بورژوازی ایران، مردمی است که رژیم اسلامی را نمیخواهند و میدانند که میتوانند از آن خلاص شوند. مشکل کل بورژوازی ایران و حاکمیت اش، مردمی است که این نظام غیر انسانی، در مقابل تلاش آنها برای برخورداری از رفاه، آزادی و برابری و دسترسی به سعادت فردی و جمعی، سد بسته است.

در حالیکه جناب نگهدار مشغول درد دل با اهل منزل است اما مردم در آبنامه ۹۸ همه را به میدان جنگ خود با حکومت، فرا خوانده اند؛ جنگ با همه جناحهای حاکمیت بورژوازی در ایران فی الحال شروع شده است؛ باید به گرد حزب و سازمان کمونیستی خود، جمع شد و این بحران را به بحران آخر و سرآغاز مبارزه برای آزادی و برابری تبدیل کرد.

نشریه هفتگی حزب حکمتیست (خط رسمی)

www.hekmatist.com

سردبیر: فواد عبداللهی
fuaduk@gmail.com

تلگرام حزب
@HekmatistKhatRasmi

تماس با حزب

دبیرخانه حزب
hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی
azar.moda@gmail.com

مسول تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا
aman.kafa@gmail.com

مسول دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی
mozafar.mohamadi@gmail.com

دبیر کمیته تبلیغات: فواد عبداللهی
fuaduk@gmail.com

در فردای کشتار "بنزین" و بازار گرمی برای نمایش انتخاباتی

مصطفی اسدپور



همواره در فردای کودتاها و کشتارها، با رفت و روب خیابانها، با خروج گروههای مرگ از خط مقدم ترور؛ کرکره دکان سخگویان دولتی بالا کشیده میشود. با اطمینان خاطر از شکار تعداد کافی از ناراضیان از جان گذشته، با رسیدن گزارش پایان کار مخوف تعقیب و "رسیدگی" های اضطراری - امنیتی؛ نوبت کنفرانسهای خبری میرسد. سخنگویان با ظاهر آهار کشیده، با ارقام و شواهد نخراشیده صد البته جزو آگاهانه و برنامه ریزی شده و دقیقاً در ادامه فضای جنایت و ترور بحساب میایند. این نمایش فردای روز سرکوب، توسط همان سرکوبگران و در خدمت چهارمیخه کردن اهداف سرکوب است.

روز گذشته بلاخره روز مناسب برای کنفرانس خبری اعتراضات آبان و آذر در پی افزایش قیمت بنزین توسط سخنگویان دولتی رسید. بیلان حکومت چیزی جز اعلام پیروزی کشتار "بنزین" در قالب قانون نبود؛ و البته از پیش همگان میدانستند که "اغتاش" اسم رمز تداوم سیطره بی حقوقی و تسلیم نزد شهروندان و در عین حال تعهد آهنین و دفاع بی چون و چرا از اعمال دستجات مخوف باند سیاهی در "نجات" کشور از توطئه های خطرناک

دیروز مراجعه کند و بوی خون و ترور آکنده در فضا، در کلمات و عبارات را لمس نماید. "آشوب و آشوبگران" نه اتهام هردنبیل یک مواجب بگیر بلکه قلب از تپش افتاده یکی پس از دیگری جوانکی در طرف دیگر خیابان است؛ "آشوب و آشوبگران" نه مهملات و دروغهای کثیف بلکه توجیه قساوت و توحش لجام گسیخته طولانی در دهها شهر در سراسر کشور و در مقابل مردمی است که بنزین گرانتر نمیخواستند، از تعرض پس از تعرض بی امان روسای سه قوه به دستمزد، به نان، به امنیت خود به هزیمت افتاده بودند... مردمی که عقل و تشخیص و فهم دارند؛ و تره برای جنفگیات و مسخره بازی "اعتراض قانونی حق طبیعی مردم است!" خرد نمیکند... مردمی که هنوز با تعقیب و گریز حمله وحشیانه به شوش و اهواز و اراک را در سرکوب اعتراضات کارگری دست به گریبان هستند.

اما عمق نفرت این حکومت نسبت به مردم در جای دیگر، در بازار گرمی برای نمایش انتخابات مجلس نهفته است. در اظهارات رسمی و بیلان سخنگویان حکومتی نه تنها نشانی از بستن پرونده "کشتار بنزین" وجود ندارد، بلکه با گستاخی منت امنیت هم سر مردم میگذارند و در سایه اخبار دستگیری و سرکوب، بازار گرمی برای انتخابات مجلس را در پیش گرفته اند.

حکومت اسلامی سرمایه آشکارا روی آن حساب کرده است که با تکیه به از یک طرف ترس و ترور و از طرف دیگر فقر و گرسنگی میتواند

جوهره این نمایش خواهد بود. پیام مشترک سه قوه جای تردید بجا نمیگذاشت که کسی نباید سر سوزنی به هر گونه دادخواهی و رسیدگی دل خوش کند. مطابق بیلان رسمی و از دهان فراخ گستاخی سخنگوی حکومت، مردمی که به مصوبه شبیخون شبانه یک مشت دزد و جنایتکار در هیبت ریاست سه قوه، و از هراس حمله تازه تری به نان و حیات و حرمت خویش، دست به اعتراض زدند، حقشان بود که در جا کشته شوند... بنا به این بیلان، ایران میتواند آسوده بخوابد چرا که باند سیاهی ها با تشخیص خوشیارانه و با نظارت ماموران ویژه کسانی را کشته اند که "حقشان بوده است". بنا به این بیلان پشت دیوار زندانها همان ماموران و با همان معیار و عدالت به رسیدگی مشغولند...

اگر کسی به ضرورت، کارکرد و مقاصد کنفرانس های خبری تردید دارد، میتواند به صفحات گزارش منتشره

است. این مجلس و این نمایش در هر گام خود دهن کجی به اعتراض بر حق میلیونها مردم زحمتکش و حق طلب است و بر نعل و بر فریاد حق طلبی برای این حکومت جلا و جبروت میتراشد.

"انتخابات" و تجمعات انتخاباتی، آفیش ها، در و دیوار شهر، زمین و زمان را به کیفرخواست کشتار بنزین تبدیل کنیم... برای روز انتخابات، سگ های محله را با همراه ببریم تا صندوقها را با آنچه شایسته است پر کنند!

مردم زحمتکش را طعمه نمایش انتخابات خود کند. حساب آنها اینستکه مردمی که اعتراض را بی فایده ببینند؛ طعمه خوبی برای کلاهبرداری شیدانه مجلس باشند.

گماشتگان و کاسه لیسان و شیدانان مجلس هر تصویری از نقش مستقیم جیونانه و خوش خدمتی همیشگی و تازه ترین مورد آن، در "کشتار بنزین" داشته باشند؛ برای مردم زحمتکش و برای مفاهیم نان و عدالت، این نمایش انتخاباتی بازی با خون

برای آزادی، برابری به حزب حکمتیست پیونید